

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>



امروزه شیوه غالب زندگی اجتماعی در دنیا، زندگی در واحدهای اجتماعی به نام کشور است. و دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشند.

فرهنگی	سیاسی	اقتصادی
رسانه	دولت	مزرعه
دانشگاه	انتخابات	کارخانه
مسجد	امنیت	ثروت
مدرسه	نیروهای مسلح	بانک

عوامل موثر در شکل گیری نظام نوین جهانی نیز دارای ابعاد اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی می باشند .

پیدایش
قدرت های سیاسی سکولار

بعد سیاسی

پیوند
قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت

بعد اقتصادی

به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و
سازمان های فراماسونری

بعد فرهنگی

استعمار و
ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

بعد سیاسی
بعد اقتصادی
بعد فرهنگی

نظام جهانی نیز مانند کشور یک واحد اجتماعی کلان است که دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد .



❖ نظام جهانی در ابعاد مختلف (اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی) چه تحولاتی را از سر گذرانده است ؟

بعد اقتصادی : کشورهای استعمارگرا ابتدا اقتصاد کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند . آنها را به بازار مصرف ، تهیه کننده مواد خام و نیروی کار کشورهای غربی تبدیل کردند و با ایجاد اقتصاد تک محصولی موجبات وابستگی آن ها را به کشورهای غربی فراهم کرد. این وابستگی موجب شد مبادلات تجاری نامتعادل در سطح جهانی شکل گرفته و امکان عبور از استعمار به استعمار نو را فراهم کند . ضمناً برخی کشورهای غربی در جهت منافع بیشتر خود برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمار زده منتقل کردند .

بعد سیاسی : قدرت های استعماری با فتوحات استعماری ، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ ها پدید آوردند . این دولت - ملت ها هویتی قومی و سکولار داشتند .

بعد فرهنگی : استعمارگران با استفاده از صنعت ارتباطات و امپراتوری رسانه ای موجب خود باختگی فرهنگی جوامع غیر غربی شدند .

❖ متن زیر ، نمودار و جدول صفحه ۶۶ را رابطه تفسیر کنید.

« ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست غول رسانه ای جهان ، در کشورهای صنعتی ، به ویژه ایالات متحده قرار دارند. امپراتوری های رسانه ای ، مثل تایم وارنر، دیسنی و یاکوم ، همگی امریکایی اند . از دیگر شرکت های بزرگ می توان به شرکت ژاپنی سونی که مالک محصول صوتی CBS و محصولات تصویری کلمبیاست و گروه آلمانی برتلسمان که صاحب محصولات صوتی RCA و مجموعه بزرگی از شرکت های انتشاراتی امریکایی است ، اشاره کرد. »

❖ جوامع غربی مخصوصا آمریکا ، مدیریت فرهنگی نظام جهانی را به عهده دارند .

❖ نمودار اشاره به نابرابری میان کشورهای فقیر و ثروتمند در جامعه جهانی دارد . در اکثر کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی با نرخ رشد جمعیت هماهنگ نبوده در حالی که در کشورهای صنعتی رشد اقتصادی بسیار جلوتر از نرخ رشد جمعیت آنان بوده است و این امر تفاوت فاحشی بین کشورهای فقیر و ثروتمند ایجاد می کند.

❖ جدول به شکاف بین کشورهای ثروتمند یا شرکت های چند ملیتی با جوامع ضعیف تر در نظام جهانی اشاره دارد .

عملکرد اقتصادی جوامع غربی در جریان تکوین نظام نوین جهانی

- ۱- عملکرد اقتصادی کشورهای غربی ابتدا در چهارچوب **دولت - ملت های** جدید شکل گرفت .
- ۲- **قدرت سیاسی** این دولت - ملت ها با **منافع اقتصادی** صاحبان ثروت ، صنعت و تجارت هماهنگ بود .
- ۳- **رقابت سیاسی** استعمار گران در مناطق استعمار زده با **منافع اقتصادی** آنان پیوند خورد .
- ۴- **کشورهای استعمارگر** ابتدا **اقتصاد کشورهای استعمار زده** را دگرگون کردند .

onkur
.info

- ۱- اقتصاد آنها در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه ای مستقل عمل می کرد .
- ۲- روابط تجاری آنها در حدی نبود که استقلال سیاسی آنان را تهدید کند .

ویژگی نظام اقتصادی
کشورهای غیر غربی
پیش از استعمار

❖ در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمار شده، جهت پاسخ به نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به تدریج تغییر کرد.

- ۱- به بازار مصرف کالاهای تولید شده کشورهای غربی تبدیل شدند.
- ۲- به تامین کننده نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی ها شدند .
- ۳- تک محصولی شدند یعنی صادراتشان به یک ماده خام محدود شد.
- ۴- قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی از آنها گرفته شد.
- ۵- به کشورهای استعمارگر وابستگی پیدا کردند .
- ۶- موجب ایجاد مبادلات تجاری نامتعادل در سطح جهانی و انتقال مستمر ثروت به سمت کشورهای غربی شد .
- ۷- ورود به مرحله استعمار نو و ادامه حضور در چرخه نامتعادل توزیع ثروت جهانی .
- ۸- به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته ، برای تامین منافع استعمارگران به کشورهای غیر غربی منتقل شدند .
و این امر موجب رشد و تحول کشورهای استعمار زده شد .
(این انتقال در جهت استقلال کشورهای استعمار زده نبود و وابستگی و فاصله آن ها را با کشورهای غربی کم نکرد)

ویژگی نظام اقتصادی
کشورهای غیر غربی
در جریان استعمار

وابستگی کشورهای استعمار زده ، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می آورد زیرا :

زیرا کشورهای غربی بعد از آنکه با مقاومت های سیاسی و نهضت های آزادی بخش در کشورهای استعمار زده مواجه شدند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت شناختند. اما وابستگی آن ها به استعمارگران موجب شد همچنان در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار بگیرند.

۱- مبادلات تجاری نامتعادل در سطح جهانی و انتقال مستمر ثروت به سمت کشورهای غربی

اقتصاد تک محصولی ← قدرت چانه زنی ← وابستگی

۲- ورود به مرحله استعمار نو و ادامه حضور در چرخه نامتعادل توزیع ثروت جهانی



❖ اقتصاد ایران تا دوران قاجار بر مدار دامداری و کشاورزی قرار داشت.
الف) دربارهٔ تأثیر تخته قاپو کردن ایلات در دورهٔ رضاخان و انقلاب سفید در دورهٔ محمدرضا پهلوی بر دامداری و کشاورزی ایران تحقیق کنید .

❖ پیامد تخته قاپو کردن ایلات :

یکجا نشینی ایالت و عشایر باعث کاهش محصولات دامی شد.
گرفتن اسب و تفنگ از عشایر موجب کاهش قدرت عشایر شد .
فرهنگ تولیدی را از ما گرفت (وابستگی به گوشت و واردات آن)

❖ پیامد انقلاب سفید:

- ۱- کاهش قدرت خان ها و اربابان
- ۲- تفکیک زمین ها ، توان تولید انبوه را از بین برد.

ب) نقش صادرات نفت در تک محصولی شدن اقتصاد ایران، تحقیق کنید.

وابستگی شدید ایران به درآمدهای ارزی و ریالی ناشی از صادرات نفت خام ، موجب تک محصولی شدن و وابستگی ایران به کشورهای غربی شد و همین امر آسیب پذیری اقتصادی ، تورم بالا و کاهش قدرت خرید ایران در سطح جهانی را به دنبال داشت .

❖ دولت - ملت ها در نظام جهانی جدید چگونه به وجود آمدند؟

دولت - ملت ها حاکمیت های سیاسی نوینی بودند که نخستین بار با افول قدرت کلیسا پدید آمدند.

❖ این دولت - ملت ها چه تفاوتی با حاکمیت های پیشین دارند؟

حاکمیت های پیشین هویتی دینی و معنوی داشتند ولی دولت - ملت ها، هویتیسکولار ، ناسیونالیستی و قوم گرایانه داشتند .

❖ آیا این دولت - ملت ها در جامعه جهانی باقی خواهند ماند؟

به مدد رسانه های جدید، مفاهیم تازه ای از جمله فرهنگ جهانی و حقوق بشر جهانی در برابر فرهنگ ملی و حقوق ملی مورد پذیرش جهان قرار گرفته است . همین امر استقلال و حاکمیت دولت - ملت ها را به چالش کشیده و باعث شده که سازمان های غیر دولتی ، نهادهای بین المللی و ... از قدرت بیشتری برخوردار شوند .

دولت - ملت چیست؟

- حاکمیت های سیاسی - اقتصادی نوینی بودند که **اولین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا** پدید آمدند.
- آنها برخلاف حاکمیت های قبلی، هویتی دینی و معنوی برای خود قائل نبودند بلکه **هویتی سکولار** داشتند.
- هویت آنها اغلب **ناسیونالیستی** و **قوم گرایانه** است.

تاثیر پیدایش دولت - ملت های غربی بر سایر مناطق جهان

این دولت - ملت ها در **مسیر توسعه خود به قدرت های استعماری** تبدیل شدند .

و با **تصرفات استعماری** خود، **جغرافیای سیاسی جدیدی** (مرزها - حکومت های جدیدی) را در جهان پدید آوردند.

و موجب شدند در مناطق استعمارزده، **دولت - ملت های جدید با هویتی قومی و سکولار** شکل بگیرد .

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، به تناسب مناطق تحت نفوذ دولت های استعماری، کشورهای جدید تأسیس شدند و ناگزیر برای هر یک از آنها هویت ملی جدیدی تعریف شد. هویت این مناطق در دوران عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی های قومی، نژادی و تاریخی آنها ذیل فرهنگ اسامی تعریف می شد. در هویت سازی های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش های باستان شناسان شناسایی و برجسته می شود و اسلام به عنوان یک عنصر زنده، پویا و هویت بخش به فراموشی سپرده می شود. شگفت آنکه قبله گاه اول مسلمانان، بیت المقدس، محل تشکیل دولت مهاجران غاصب صهیونیست گردید. مکه، قبله امت اسلامی، در تصرف فرقه تازه تأسیسی قرار گرفت که تحت حمایت دولت استعماری انگلیس بود و در منطقه نزول وحی، همه آثار باقی مانده از صدر اسلام به اسم توحید و مبارزه با شرک با خاک یکسان می شود.

جهانی شدن

به نظر برخی ، فرایند جدیدی که نقش کشورها و دولت ها را در جهان تغییر داده است جهانی شدن نام دارد.

نقش جهانی شدن در تغییر وضعیت کشورها و دولت ها

کانون های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود ، از سازمان های بین المللی استفاده می کنند و موانع تجارت بین المللی را از بین می برند .
و استقلال اقتصادی و سیاست های ملی کشورهای مختلف را تضعیف می کنند .

با شکل گیری نهادهای بین المللی و بازارهای مشترک منطقه ای ، شرکت های بین المللی ، سرمایه گذاری های خود را به منطقه ای خاص (مثلا یک کشور) محدود نکردند.
بلکه با استفاده از شبکه های اطلاعاتی تغییرات اقتصادی را کل جهان شناسایی و مدیریت کردند .

اقتصاد سرمایه محور، در ابتدا نیازمند حمایت سیاست های قومی و منطقه ای بود . ولی با
۱- انباشت ثروت
۲- پدید آمدن شرکت های بزرگ چند ملیتی
۳- گسترش صنعت ارتباطات
از اهمیت مرزهای سیاسی کاسته شد .



۱- چه عواملی موجب کاهش اهمیت مرزهای سیاسی شد ؟

۲- چه عواملی موجب شد شرکت های بین المللی سرمایه گذاری های خود را به منطقه ای خاص محدود نکنند ؟

۳- چه عاملی موجب شد تا شرکت های بین المللی بتوانند تغییرات اقتصادی را در سطح جهان شناسایی و مدیریت نمایند؟

۴- کانون های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود ، حذف موانع تجارت بین الملل و تضعیف استقلال اقتصادی و سیاست های ملی کشورهای مختلف چه می کنند ؟

نقش جهانی شدن در تغییر وضعیت کشورها و دولت ها

کانون های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود ، از **سازمان های بین المللی استفاده می کنند** و موانع تجارت بین المللی را از بین می برند .
و استقلال اقتصادی و سیاست های ملی کشورهای مختلف را تضعیف می کنند .

شکل گیری نهادهای بین المللی و بازارهای مشترک منطقه ای ، موجب شد شرکت های بین المللی ، سرمایه گذاری های خود را به منطقه ای خاص (مثلا یک کشور) محدود نکنند .
بلکه با استفاده از شبکه های اطلاعاتی تغییرات اقتصادی را کل جهان شناسایی و مدیریت کردند .

با
۱- انباشت ثروت
۲- پدید آمدن شرکت های بزرگ چند ملیتی
۳- گسترش صنعت ارتباطات
از اهمیت مرزهای سیاسی کاسته شد .

دیدگاه های متفاوت در مورد جهانی شدن

دیدگاه مخالفان جهانی شدن

در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن ، انسجام مطلوب جهانی را به دنبال نمی آورد . بلکه چالش ها و تضادهایی را پدید می آورد . چالش هایی که مقابله با آنها ، بیشتر توسط جنبش هایی انجام می شود که فراتر از مرزهای سیاسی دولت ها عمل می کنند .

دیدگاه موافقان جهانی شدن

جهانی شدن به مرزهای ملی هیچ اعتنایی ندارد . جهانی شدن در حال ایجاد نظم نوینی است که از دو جریان تجارت و تولید بین المللی اثر می پذیرد .

دربارهٔ مقاومت هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیهٔ عرب ، سازمان کنفرانس اسلامی و ... مطالعه کنید.

این پیمان های منطقه ای در برابر سیاست جهانی سازی اقتصادی قدرت های برتر اروپایی و امریکایی ، بین دولت ها شکل می گیرند. به نظر شما نقاط قوت و ضعف این پیمان ها کدام اند؟

❖ جنبش عدم تعهد :

یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد تأسیس شد. شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ یک از دو بلوک شرق و غرب نظام جهانی وابستگی و تعهدی نداشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده است. بنیان گذاران جنبش عدم تعهد رهبران برخی از کشورها بودند که در رأس این شخصیت ها می‌توان از مارشال تیتو (یوگسلاوی) ، جواهر لعل نهرو (هند) ، جمال عبدالناصر (مصر) و احمد سوکارنو (اندونزی) نام برد.

❖ اتحادیه عرب :

یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای شامل ۲۲ کشور عربی زبان ۱۰ کشور آفریقایی و ۱۲ کشور آسیایی هستند. این اتحادیه در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ تأسیس شد.

❖ سازمان کنفرانس اسلامی:

این سازمان که به سازمان همکاری اسلامی معروف است دارای ۵۷ عضو می باشد و با هدف حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام و ترویج صلح بین المللی در سال ۱۹۹۶ تاسیس شد .

❖ بریکس :

گروهی به رهبری قدرت های اقتصادی نو ظهور است . اعضای آن چین ، روسیه ، هند ، برزیل و آفریقای جنوبی می باشد. همه اعضا به جز روسیه از اقتصاد های در حال توسعه نوظهور هستند که دارای رشد پر شتاب یا تاثیر گذار بر جهان می باشند .

❖ سازمان همکاری شانگهای :

سازمانی میان دولتی است که در سال ۲۰۰۱ برای همکاری های چند جانبه امنیتی ، اقتصادی و فرهنگی ، با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه پایه گذاری شد . اعضای اصلی آن روسیه ، چین ، قزاقستان ، قرقیزستان ، تاجیکستان ، ازبکستان ، هند ، و پاکستان و عضوهای ناظر آن ایران ، مغولستان ، افغانستان و بلاروس می باشد .

❖ نقطه ضعف :

ضمانت اجرایی کافی ندارد- بسیاری از مصوبات صرفا جنبه سیاسی دارد- برخی سازمان ها متاثر از کشورهای مرکز عمل

❖ نقطه قوت :

تاثیر گذاری مثبت در افکار عمومی جهان- ایجاد خودباوری در ملت ها- تبدیل نابرابری نظام جهانی به یک مساله

تجارت ، جنگ ، مهاجرت و

راه های
اشاعه و مبادله فرهنگی در گذشته

جوامع غیر غربی از نظر اقتصادی و سیاسی ضعیف شده دچار نوعی
خود باختگی فرهنگی شدند .

پیامد
برخورد استعماری غرب با جوامع دیگر

جامعه ، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از
دست می دهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و
گزینش و به گونه ای تقلیدی فرا می گیرد.

پیامد
خود باختگی فرهنگی

جوامع غیر غربی ، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگ غرب از دست داده ، به صورت تقلیدی عمل کردند و مدیریت خود را در گزینش عناصر فرهنگی غرب از دادند .

پیامد
خود باختگی فرهنگی جوامع غیر غربی
در برابر غرب

غرب مدیریت انتقال فرهنگ غرب را در چارچوب اهداف اقتصادی - سیاسی خود به دست گرفت . (متناسب با منافع اقتصادی و سیاسی خود تصمیم گرفت که چه عناصری از فرهنگش را به آن کشورها منتقل کند یا نکند .)

عکس العمل غرب
در شرایطی که کشورهای غیر غربی مدیریت خود را در گزینش عناصر فرهنگی از دست داده بودند

صنعت ارتباطات

ابزار غرب
در انتقال مدیریت فرهنگی

چگونگی تاثیر صنعت ارتباطات بر مدیریت جهان غرب

صنعت ارتباطات، فاصله های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده ای واحد درآورده است.

مرزهای جغرافیایی و سیاسی فرو می ریزد و فرهنگ جوامع غیر غربی که گرفتار خودباختگی شده اند بیش از گذشته در دسترس مدیران فرهنگی جهان قرار می گیرد تا منافع کانون های قدرت و ثروت را تامین و مدیریت نماید.



موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا، در عرصه رسانه

علت استفاده از اصطلاح
« امپراتوری رسانه ای »

در برابر آن آسیب پذیرترند .
زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.

موقعیت کشورهای کمتر توسعه یافته
در برابر امپراتوری رسانه ای

- ۱- تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می کند .
- ۲- ارزش های دموکراتیک جهان غرب را نیز به سخره می گیرد .
- ۳- موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می شود.

پیامد
تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان
ثروت و کانون های صهیونیستی

شیوه مدیریت فرهنگی جوامع غیرغربی توسط غرب

در تربیت نخبگان، از روش تثبیت مرجعیت علمی غرب و توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی استفاده می کند .

فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را از طریق رسانه مدیریت می کند .

توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی به چه معناست ؟

- بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت رسانی به کالاهای غربی مورد نیاز است ، به کشورهای در حال توسعه آموزش می دهند.
- از آموزش دانش های راهبردی ، خودداری می کنند.

علوم انسانی غربی بر چه بنیان هایی استوار است ؟

بنیان های **هستی شناختی** ، **انسان شناختی** و **معرفت شناختی** که بعد از رنسانس شکل گرفت .

علوم انسانی غربی حیات و زندگی انسان را چگونه تعریف و سازماندهی می کند ؟

حیات و زندگی آدمی را **بدون توجه به ابعاد معنوی آن**، **به گونه ای سکولار و دنیوی** تعریف می کنند و سازمان می دهند.

کدام پدیده عمیق ترین تاثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می کند ؟ چرا ؟

ترویج علوم انسانی غربی

زیرا :

- این علوم موجب می شوند ، فرهنگ های دینی ، هویت خود را از نگاه فرهنگ غرب بازخوانی کنند.
- فرهنگ ها از علمی که مبتنی بر بنیان های معرفتی دینی باشد محروم شوند .

دولت های مرکز برای حفظ وضع موجود ، به ایجاد انحصار در عرصه های مهم روی می آورند.

برخی از این انحصارها عبارت اند از:

- ۱- انحصار فناورانه
- ۲- کنترل بازارهای مالی
- ۳- دسترسی انحصاری به منابع طبیعی کره زمین
- ۴- انحصار سلاح های کشتار جمعی
- ۵- انحصار ارتباطی و رسانه ای .

برای توضیح بیشتر درباره این موارد می توانید به صفحات ۲۳ تا ۴۳ کتاب سرمایه داری در عصر جهانی شدن نوشته سمیرامین مراجعه کنید .



❖ چرا کشورهای غربی تلاش می کنند تا مانع دستیابی ایران به تکنولوژی هسته ای شوند؟

غرب از آموزش دانش راهبردی خود ممانعت می کند. تکنولوژی هسته ای نیز یک دانش راهبردی است. در نتیجه غرب برای حفظ جایگاه سیاسی و علمی خود و نیز نظم نظام جهانی به کنترل و مدیریت این حوزه می پردازد.

❖ چرا در برابر تلاش جامعه علمی ایران برای تدوین علوم انسانی مبتنی بر نیازهای بومی و مبانی معرفتی اسلامی مقاومت می شود؟

علوم انسانی غربی عمیق ترین تاثیر را بر توزیع جهانی فرهنگ غرب دارد. در نتیجه با هر نوع علوم انسانی و معرفتی که در این راستا، محدودیت ایجاد کند، مخالفت می شود.

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>